

سهم بخش کشاورزی در بحران آب

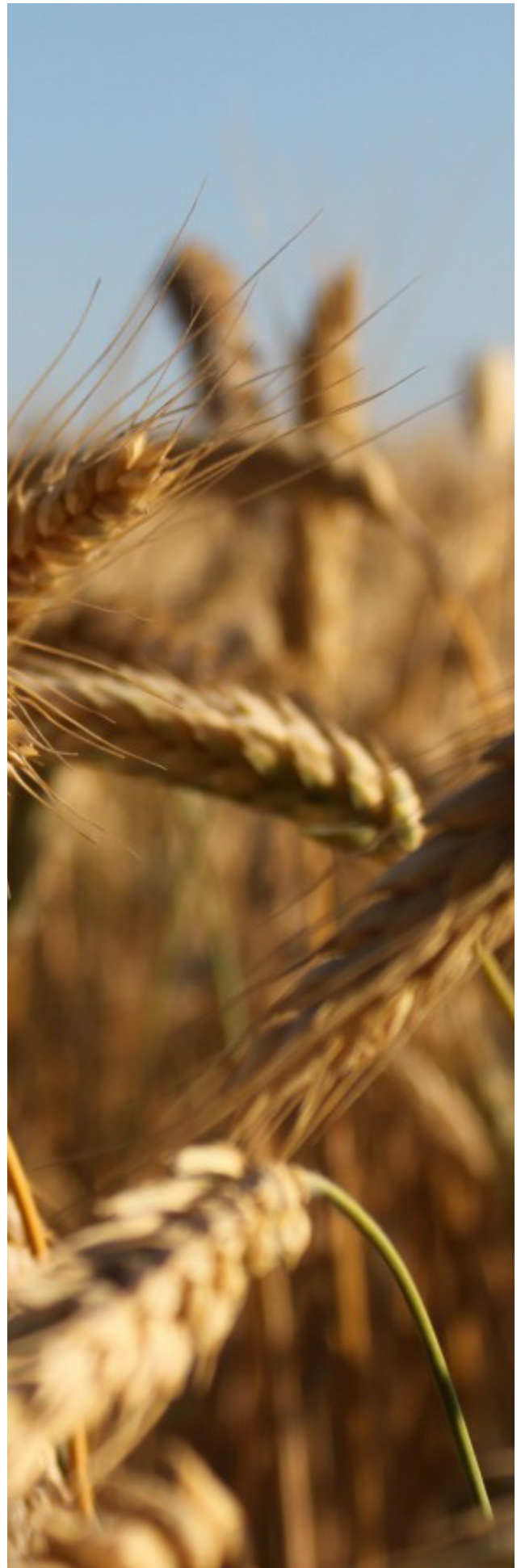
فاطمه پاسبان

بحران آب در کشور هر روز بحرانی‌تر می‌شود. از سویی سیاست‌گذاران و از سوی دیگر مردم با نگرانی‌های بسیاری مواجه شده‌اند. در این میان پیش‌بینی‌ها و آمار و اطلاعات واقعی از وضعیت موجود و آینده که نشان از عمق بحران و شدت یافتن آن در آینده دارد، مسئولان را به فکر وادار ساخته که چه باید کرد؟

آنچه در اخبار و اظهار نظرات مسئولان مشاهده می‌شود، یک نوع شتاب‌زدگی برای کنترل بحران در زمان بسیار کوتاه‌مدت است و از همین رو مشاهده می‌شود که بدون توجیه علمی، راهکارهایی ارائه می‌شود که هزینه و فایده اقتصادی و اجتماعی آن مشخص نیست که چقدر به نفع کشور و چقدر به ضرر کشور است. بیشتر از همه، گویی قرار است انگشت اتهام به سمت بخشی یا فعالیتی برود که بخش اعظم قصور مدیریتی را که مسئولان باید پاسخگوی آن باشند به دوش پراز رنج تولیدکننده گذاشته شود. اینکه بخش کشاورزی مانند سایر فعالیت‌های اقتصادی از بخش خدمات گرفته تا صنعت و صنایع پتروشیمی و مصارف خانگی که از آب بهره می‌گیرند، قاعده بهینگی در آن رعایت نمی‌شود، جای بحث و تردید نیست، اما آنچه جای بحث و تردید است و هنوز گواهی علمی و تحقیق علمی دال بر اینکه مقصر اصلی در بحران آب کشور بخش کشاورزی است و اینکه سهم عمده اتلاف آب کشور به بخش کشاورزی و کشاورزان برمی‌گردد، وجود ندارد.

اخطار و هشدار کم‌آبی جدید نیست. اگر نگاهی به گزارش‌های بین‌المللی و هشدارهای محققان داخلی درباره خشکسالی و کم‌آبی، شوری آب، کاهش سطح آب‌های زیرزمینی، برداشت بی‌رویه از ذخایر آبی، نبود ذخیره‌سازی آب، بی‌توجهی به آبخیزداری و آبخوان‌داری و از قبیل آن شود این سؤال پیش می‌آید که اگر وقوع پدیده کم‌آبی غیرمنتظره نبوده است، پس چرا تاکنون اندیشه و فکری برای مقابله با آن نشده است؟ به عبارتی هم زنگ خطر و هشدار دائماً به ما اخطار داده و هم از طرفی پول و منابع مالی بوده که جلوی یک واقعه نامطلوب را گرفت یا اثر آن را کاهش داد. چرا این اتفاق نیفتاده و اکنون در مسیری قرار گرفته‌ایم که در سخت‌ترین شرایط باید تصمیم‌گیری‌های بزرگ انجام داد.

به نظر من مهم‌ترین مشکل نبود مدیریت است. مدیریت علم است و مدیرانسانی است مدبر، آگاه، خلاق، مبتکر، مشارکت‌پذیر و جسور که خطرها شناسایی و بهترین راه‌حل ممکن را برای مقابله با آن طراحی و بهترین فرآیند اجرایی را برای آن تدوین و در نهایت



اجرا، نظارت و ارزیابی می‌کند تا به مقصد معلوم برسد. در این فرآیند مهم‌ترین موضوع شناسایی مشکل و ارائه راهکار است که یک مدیر نیاز به متخصصان مختلف و استفاده از نظرات و تجربیات محققان و اندیشمندان داخلی و خارجی دارد. آنچه ما را تضعیف کرده نبود مدیریت صحیح و نبود مدیران متخصص و مسئولیت‌پذیری آنان است. توسعه، ارتقا و پیشرفت حاصل تلاش انسان‌ها و نیروی انسانی است. بخش اعظم موفقیت هر کشوری در توسعه به مدیران آن برمی‌گردد که چطور مسائل را شناسایی می‌کنند و میزان درک آنان از مسائل جاری و آینده چقدر است؟ چقدر از نیروهای محقق و متخصص بهره‌جسته است؟ چگونه برای مقابله با مسائل برنامه‌ریزی می‌کنند و چگونه اجرا، نظارت و ارزیابی می‌کنند تا به حل مسئله منجر شود؟ دائماً مشاهده می‌شود که مدیرانی برسرکار می‌آیند که نه شناخت عمومی، نه تخصصی از موضوع محوله داشته و نه مدیریتی می‌دانند و از همه بدتر نه علاقه‌ای به موضوع دارند.

بنابراین برای حل مشکل بحران آب باید به دنبال مدیران اجرایی شایسته و مسئولیت‌پذیر بود. باید این دور باطل در کشور تمام شود که مدیران اشتباه کنند و درست تصمیم نگیرند و مدیر نباشند و هزینه‌های آن را مردم پرداخت کنند. تا به کی باید مردم هزینه مدیریت ناصحیح مدیران را پرداخت کنند؟ این هزینه‌ها از هزینه مادی هم فراتر رفته و سلامتی و حیات انسان‌ها را به خطر انداخته است. باید معیارهایی برای ارزیابی مدیریت مدیران گذاشته شود تا در صورت عملکرد ضعیف مدیران، با آن‌ها برخورد شود، شاید دیگر شاهد این نباشیم که نامدیرانی برپست‌های مدیریتی حاکم شوند که نه گوش شنوا دارند و نه روحیه مشارکت و همکاری و نه ارزشی به علم و تحقیق و علمی عمل کردن می‌دهند.

در بخش کشاورزی هم مدیریت منابع آبی دچار مشکل است و تاکنون مدیریت صحیح اجرا نشده است. اینکه بخش کشاورزی با ارقام متفاوتی که ارائه می‌شود ۹۰ درصد یا ۹۲ درصد مصرف آب کشور را در اختیار دارد نمی‌تواند دلیل بحران کم‌آبی کشور باشد. آمار و ارقام دقیقی وجود ندارد که بخش کشاورزی چقدر آب مصرف می‌کند و در هر استان به چه صورت است؟ مشخص نیست چند درصد منابع آبی در بخش کشاورزی هدر می‌رود؟ در آمار و ارقام مناقشه است و در هر شرایطی؛ خشکسالی و ترسالی سهم بخش کشاورزی همواره همین ارقام بوده است. در اینکه بخش کشاورزی مدیریت بهینه منابع آبی ندارد و باید برای آن برنامه‌ریزی شود شکی نیست ولی اینکه سهم بخش کشاورزی در بحران آبی چقدر است و حالا باید چقدر جبران هزینه کند مشخص نیست.

در نگرش کارشناسان این موضوع شکل گرفته که بخش کشاورزی ائتلاف منابع آبی دارد و سهم بخش صنعت کم است (پس سهم بخش صنعت از منابع آبی را افزایش دهیم) حال پرسش این است که با چه آمار و تحقیقی به این دست یافته‌اند؟ در همین حال بخش کشاورزی برای مدیریت صحیح و بهینه آب راهکارهای مختلفی پیش رو دارد، یکی از آن‌ها اصلاح الگوی آبیاری است. بارها متخصصان این حوزه اعلام کرده‌اند که حرکت



و تک‌موضوعی برای حل مسئله کنار گذاشته شود و به مسئله، سیستمی توجه شود که همه متغیرهای تأثیرگذار بر آن دیده شود تا هدف تحقق یابد.

مأخذ: مجله تجارت فردا (با اصلاح و تلخیص)

مصرف آب را کاهش دهد؛ اما نکته این است که اصلاح الگوی آبیاری در بخش کشاورزی نیازمند تخصیص اعتبار و رفع موانع موجود برای به کارگیری این روش توسط بهره‌برداران است. نکته بعدی اینکه همه بهره‌برداران را نمی‌توان به این روش ترغیب کرد، به دلایل مختلف از جمله کوچک بودن اراضی و به صرفه اقتصادی نبودن به کارگیری این روش‌ها؛ بنابراین انتظار مجز کردن تمامی بخش زراعت (زرعی و باغی) به این الگودرست نیست. علاوه بر این، اصلاح الگوی آبیاری به تنهایی منجر به الگوی مصرف بهینه آب در کشاورزی نمی‌شود. توجه به موضوعاتی از قبیل آبخیزداری و آبخوانداری، تدوین برنامه کاشت متناسب با اقلیم، تدوین الگوی کشت برای هر منطقه، باید مطالعه درباره بذره‌های مقاوم در برابر کم‌آبی، ذخیره منابع آبی، استفاده از پساب‌ها و سایر راهکارهای دیگر را که با مطالعه و تحقیق می‌توان به آن دست یافت در نظر گرفت. باید نوع نگرش تک‌محوری

به سمت کشاورزی مکانیزه و فاصله گرفتن از کشاورزی سنتی می‌تواند گام‌های مهمی در جهت کاهش اتلاف منابع آبی کشور باشد. در بسیاری از مناطق کشور، روش آبیاری غرقابی است که مزارع معمولاً به صورت نواری، کرتی، نشتی یا جوی و پشته آبیاری می‌شوند که هدررفت آب زیاد است. در مقابل روش آبیاری تحت فشار که شامل آبیاری قطره‌ای و آبیاری بارانی است در ایران متداول است. این روش در ایران در دهه ۵۰ به کار گرفته شد و سطوح بزرگی با این روش آبیاری شدند ولی با مرور زمان مزایا و معایب این روش مشخص شد. هزینه‌های زیاد و تکنیک‌های نسبتاً پیشرفته این روش و نمک‌ها و مواد جامد معلق در آب‌های ایران از معایب آبیاری قطره‌ای بوده و باعث شده که کشاورزان کمتر از این روش آبیاری استفاده کنند اما این معایب دلیل این نیست که ما این روش را کنار بگذاریم.

استفاده از روش آبیاری قطره‌ای نسبت به روش غرقابی می‌تواند پنج تا شش برابر

« اصلاح الگوی آبیاری به تنهایی منجر به الگوی مصرف بهینه آب در کشاورزی نمی‌شود.»

66

